

۴. مبلغان مسیحی و مأموریتی با نام محو اسلام

باری یومان^۱

چکیده: امروزه نهادهای معتبر علمی در آمریکا و از آن جمله مراکز برجسته دانشگاهی در مأموریتی حساب شده، در پی آموزش مبلغان مذهبی مسیحی و گسیل آن‌ها به جوامع مختلف اسلامی در اقصی نقاط جهان هستند تا بدین وسیله در این مأموریت خود مسلمانان را از دین خود بازگردانده و مسیحیت را در این جوامع گسترش دهند. عمده این مبلغان آموزش دیده در لباس تاجر، کارگر و یا معلمان انگلیسی به ایفای نقش خود مشغولند.

ساعت هشت صبح دوشنبه‌ای نسبتاً گرم، در بیستم ژانویه، دانشجویان در کلاس درس «ریک لاو» در دانشگاه بین‌المللی کلمبیا در کارولینای جنوبی با چشمانی مات و گرفته کنار هم نشسته‌اند. در جلوی‌شان پروژکتوری قرار دارد که به لپ‌تاپ استاد متصل است. محوطه دانشگاه آرام است و عمده دانشجویان هنوز از تعطیلات کریسمس بازنگشته‌اند، اما این دانشجویان که همگی را مسیحیان پروتستان تشکیل می‌دهد، دو هفته زودتر برای گذراندن دوره‌ای فشرده به این محل کشانیده شده‌اند؛ دوره‌ای که هدف آن چیزی جز یافتن پیروان جدید در کشورهای اسلامی نیست.

استاد این دوره لاو است که مدیر بین‌المللی گروه «فرانتیرز» یعنی بزرگترین گروه

مسیحی جهان می‌باشد و فعالیت خود را منحصرأ به تبلیغ دین خود در کشورهای اسلامی و بین مسلمانان معطوف نموده است. این گروه که دارای هشتصد مبلغ مذهبی در پنجاه کشور است، از اقیانوس اطلس جنوبی تا شمال آفریقا و به‌طور کلی هر منطقه مسلمان‌نشین این گستره را در بر گرفته است.

لاو چهل و نه ساله با ژاکتی سیاه و ریش‌هایی جوگندمی، رفتاری شوخ‌طبعانه دارد. در بیرون از دنیای مبلغان مذهبی کمتر شناخته شده است و از انتشار سخنرانی‌هایش در رسانه‌ها و صحبت در مجامع عمومی معمولاً پرهیز می‌کند.

درس امروز صبح وی، نحوه انجام مأموریت‌های مخفی است. عمده شاگردان وی نیز مبلغین مذهبی هستند که حوزه فعالیت‌شان از قزاقستان تا کنیا است. آن‌ها در وهله اول می‌دانند که تبلیغ مسیحیت در بسیاری از کشورهای اسلامی ممنوع است و در صورتی که مقاصد واقعی‌شان مشخص شود، یقیناً از این مناطق اخراج خواهند شد. درس امروز وی آن است که چگونه هویت خود را مخفی داشته و به‌طور پنهانی در راستای تغییر دین مسلمانان تلاش نمایند. به عقیده وی، چنین افرادی بایستی همواره توضیح حاضر و آماده‌ای و البته غیر مذهبی‌ای برای توجیه حضورشان در چنین مناطقی داشته باشند.

وی در کلاس خود توضیح می‌دهد که اگر مردم از شما پرسند که چرا اینجا هستید باید چه بگویید. باید بتوانید توضیحی قانع‌کننده دهید. خود در مورد حضورش در بین مسلمانان اندونزی می‌گوید: پیش از سفر به این منطقه ابتدا گواهی صلاحیت تدریس زبان انگلیسی کسب و سپس به این منطقه سفر نمود و بدین وسیله بود که بهانه‌ای برای حضورش در اندونزی یافت. وی توضیح می‌دهد که بدین نحو است که می‌توان در چشمان فرد سؤال‌کننده خیره شد و گفت که یک معلم انگلیسی هستم و در این زمینه دارای مدرک می‌باشم و آمده‌ام اینجا تدریس کنم.

وی در ادامه توضیح می‌دهد که این شیوه‌ای مرسوم برای حضور در کشورهای اسلامی است، اما بهانه‌ای دیگر بیابید! پس از آن باید دوستی خود را با محلی‌ها تقویت نموده و زمانی که اطمینان آن‌ها را به دست آوردید، صحبت از مذهب به میان آورید و نباید به

هیچ وجه هدف خود را آشکار ساخته و همواره باید غیر مستقیم به بیان مقصود خود بپردازید.

لاو در ادامه برای دانشجویان خود توضیح می‌دهد که شیوه‌های مختلفی برای پوشانیدن اهداف وجود دارد و به توضیح نمونه‌های متعددی از شغل‌ها و حرفه‌هایی که می‌توان با توسل به آن‌ها در کشورهایی چون اندونزی به فعالیت پرداخت، می‌پردازد.

دانشجویان حاضر در کلاس هم، فکورانه صحبت‌های وی را تأیید می‌نمایند و معتقدند که به هر شکل ممکن باید به این هدف رسید. شور و اشتیاق اصلی آن‌ها دامن زدن بیشتر به غارت مذهبی‌ای است که از زمان ساموئل زمور - پیشگام مبلغان مذهبی در کشورهای اسلامی - شروع شده است. وی مبلغی بود که در سال ۱۹۱۶ اسلام را مذهبی مرده خواند و پیش‌بینی نمود که مسیحیت همه‌جا را خواهد گرفت. در یک دهه گذشته، رهبران مسیحی اعلام نموده‌اند که تعداد مبلغان مذهبی از هفتصد نفر در دهه نود به سه هزار نفر افزایش یافته است.

این مبلغان در مناطق مختلف کشورهای اسلامی از روستاهای افغانستان و پاکستان گرفته تا جمهوری‌های شوروی سابق هم چون قزاقستان و ازبکستان و نیز در مناطق مهم خاورمیانه هم چون عراق، سوریه، یمن و نیز کشورهای آفریقایی همانند سومالی و الجزایر به فعالیت مشغولند.

دیوید کاشن استاد مطالعات بین‌المللی در دانشگاه بین‌المللی کالیفرنیا که خود در انجام مأموریتش در بنگلادش لباس مسلمانان را به تن می‌کرد و در قهوه‌خانه‌ها تبلیغ مسیحیت می‌کرد، در این باره می‌گوید: «اسلام آخرین مرزی است که باید فتح شود.» وی نیز همانند همفکران خود معتقد است که باید پیش از بازگشت مسیح، در جهان اسلام کاملاً نفوذ نمود. وی می‌گوید: «تاریخ به پایان خود نزدیک می‌شود. اگر به مسیح معتقدید چرا دو هزار سال است که نیامده؟ بله، ما زمینه را برای آمدن او فراهم نکرده‌ایم و این زمینه همانا مسیحی ساختن قومیت‌های مختلف در سراسر جهان است.»

امروزه موج فزاینده نفوذ به سرزمین‌های اسلامی که مبلغان با بهانه‌هایی چون معرفی

خود به عنوان کارگر، معلم و یا تاجر به اهداف خود می‌رسند، خشم بسیاری را برانگیخته است. خود مبلغین معترفند که جان افراد نوآیین در چنین مناطقی در خطر است. همچنین برخی دیگر معتقدند که در این برهه مهم زمانی، این نوع فعالیت‌ها با افزایش نفرت مردم از جوامع غربی همراه است اما در نظر کسانی که در قلب این جنبش قرار دارند، همچون دانشجویان لاو در دانشگاه کالیفرنیا، هرگونه آسیبی در مقایسه با اهمیت این هدف ناچیز است؛ هدفی که جز محو اسلام نیست.

کیم مک هوگ ۳۶ ساله و دانشجوی دانشگاه کالیفرنیا که به تبلیغ مسیحیت در بین ایرانیان پناهنده به ترکیه مشغول است، در مورد اسلام می‌گوید: «معتقدم که اسلام دینی جعلی است که باید از بین برود.» همسرش برنت هم در باره این افراد می‌گوید: «اگر آن‌ها شانس تجربه کردن مسیحیت را نداشته باشند، باید به جهنم بروند.»

در نظر عمده آمریکاییان، اولین آشنایی‌شان با این جریان به نوامبر سال ۲۰۰۲ یعنی زمانی که نیروهای طالبان دو تن از مبلغان مسیحی آمریکایی را دستگیر و بدین شکل از آن دو، قهرمان ساختند، باز می‌گردد. سه ماه حبس به جرم تبلیغ مسیحیت و آزادی از زندانی در غزنین بود که با واکنش بوش همراه شد. وی در حمایت از این دو گفت: «ایمانشان منبع امیدی بود که آن‌ها را از هدفشان دلسرد و مأیوس نکرد.» اما واقعیت آن است که این دو وظیفه فراتر از کمک‌های بشردوستانه داشتند. دیگر مبلغ مذهبی عضو این گروه یعنی «جان ویور» هم با امتناع از خروج از افغانستان و به رغم تنش‌های ضدآمریکایی بود که سخت توجه رسانه‌ها را به خود جلب نمود.

ویور همانند بسیاری از مبلغان مذهبی حاضر در کشورهای اسلامی، در دانشگاه کالیفرنیا یعنی یکی از سه مرکز اصلی در ایالات متحده که طرح‌های خود را صرفاً معطوف به کشورهای اسلامی نموده بود، آموزش دیده است. هم‌اکنون نیز عمده هزار دانشجوی حاضر در این مرکز را زنان و مردانی تشکیل می‌دهند که سال‌ها حضور در کشورهای اسلامی را پیش از گذراندن این دوره، تجربه کرده‌اند. از جمله این افراد می‌توان به دیریک ۳۳ ساله اشاره نمود که برای دو سال در بندر کوچکی در قزاقستان به تدریس انگلیسی و

زندگی با خانواده‌ای محلی گذرانده است. وی که با دو پسر این خانواده در یک اتاق زندگی می‌کرد، با خواندن انجیل و نمایش فیلم مسیح به زبان قزاقی، سعی در بازگرداندن آن‌ها از اسلام و روی آوردن آن‌ها به مسیحیت نمود. وی در این باره می‌گوید: «بسیار با آن‌ها کلنجار رفتم. به آن‌ها می‌گفتم که باید آنچه را که سبب تغییر زندگی‌ام شده را برای شما بازگو کنم. لازم نیست که آن را بپذیرید اما باید برای شما بگویم. اگرچه به رغم همه تلاش‌هایم هیچ یک از اعضای خانواده از دین خود برنگشتند، اما او را هم از منزل خود اخراج نکردند، چرا که به هر حال در نظر آن‌ها درآمد ۵۰ دلار در ماه حاصل از اجاره منزلشان رقم قابل توجهی بود.»

ال دوبارا ۴۵ ساله که با رفاقت با تاجران نایروبی در کنیا به انجام مأموریت خود در این کشور پرداخت، می‌گوید: «هدف من کاشتن بذری کوچک است که بتواند در آینده رشد کند. در وهله اول تلاش من معطوف به آن بود که آن‌ها خود، دین خود را زیر سؤال ببرند.» نگاه ضداسلامی این گروه که منعکس‌کننده اندیشه رسمی دانشگاه کالیفرنیاست در پایگاه اینترنتی این دانشگاه نیز به خوبی محسوس است. در مقاله‌ای که کمی پس از حادثه یازدهم سپتامبر در این پایگاه منتشر شد، می‌خوانیم: «این ادعا که اسلام یعنی صلح، تلاش برای گمراه ساختن افکار عمومی است. رهبران مسلمان بارها هدف خود یعنی گسترش اسلام در غرب را تا زمانی که این دین به قدرتی غالب و جهانی مبدل شود به زبان آورده‌اند.»

نویسنده این مقاله که خود استاد جان ویور، مبلغ فعال در افغانستان است، برنامه مطالعات اسلامی دانشگاه کالیفرنیا را مدیریت می‌کند و پیش‌تر نگرانی خود را از سرعت زاد و ولد مسلمین در مقایسه با مسیحیان ابراز داشته بود.

لارنس پیش از ورود به دانشگاه کالیفرنیا به مدت ۲۳ سال در دره قاضی‌خان پاکستان به تبلیغ مسیحیت می‌پرداخت. وی و همسرش با تشکیل جلسات دعا، مجالس تفسیر انجیل و نیز تشکیل جمع‌های دوستانه در پی اهداف خود بودند. وی در مورد حضور این افراد در جلسات می‌گوید: «اکثر این افراد با این تصور که خارجی‌ها پولدارند در این جلسات

شرکت می‌کردند. عمده آن‌ها در جلسات ما حاضر می‌شدند با این تصور که آن‌ها را در رفتن به آمریکا کمک کنیم. در مجموع، تنها تعدادی از آن‌ها مشتاق حضور در جلسات و صحبت از مسیحیت بودند.»

اما حمله به منزل لارنس با شکل‌گیری احساسات ضد آمریکایی در جهان اسلام که آغاز آن به گروگان‌گیری سفارت آمریکا در سال ۱۹۷۹ در تهران، باز می‌گردد، اتفاق افتاد. حال با گذشت سال‌ها و در نتیجه حادثه یازدهم سپتامبر و حوادث پس از آن، بار دیگر نفرت علیه غربی‌ها در جوامع اسلامی آشکار شده است.

به منظور مقابله با این دشمنی‌هاست که هم‌اکنون در دانشگاه کالیفرنیا، مبلغان آموزش‌هایی می‌بینند که هدف از آن نحوه آشنایی و عجین شدن آن‌ها با فرهنگ مردم مناطق مورد نظر است. لای توضیح می‌دهد که جلب نظر مسلمانان و تبلیغ مسیحیت در فرهنگی بیگانه، مستلزم آن است که حتی علاوه بر آشنایی با فرهنگ آن‌ها، در صورت لزوم آداب آن‌ها را هم انجام داد. وی توضیح می‌دهد که حتی لازم است این مبلغان در شرایط کنونی با نام‌های اسلامی و پوشش محلی در مناطق مأموریت خود حاضر شوند و حتی نماز بخوانند و در ماه رمضان روزه بگیرند. کاشن، استاد دانشگاه کالیفرنیا در این باره می‌گوید: «ما برای رسیدن به مسلمانان باید مسلمان شویم.»

از دیگر گروه‌های فعال در این حوزه می‌توان به گروهی اشاره کرد که در خاورمیانه به عنوان گروهی از دراویش فرقه صوفیه به تبلیغ مسیحیت می‌پردازند. گروهی دیگر نیز در فلسطین، دانش‌آموزان را هدف تبلیغات خود قرار داده‌اند و ضمن آشنایی آن‌ها با عقاید مسیحیت، از آن‌ها می‌خواهند که خود را کماکان مسلمان معرفی نمایند.

حقیقت آن است که رهبران مسیحیت پروتستان با ترغیب مبلغان مسیحی به ادامه این راه، حتی اگر جان نوگرویده‌ها در معرض خطر هم باشد، در پی نیل به هدف خود می‌باشند. به هرحال این دوره لای هم به پایان می‌رسد و حاضرین در آن پس از گذراندن آن، تلاش خود را به رهایی مسلمانان از دینی که در دیدگاه‌شان دینی باطل است، معطوف می‌نمایند.